



بررسی تاثیر مالکیت دولتی بر رابطه همبستگی سودهای دوره ای و حق الزحمه حسابرسی

دکتر اسماعیل اخلاقی یزدی نژاد

دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

دکتر حسین نورانی^۱

دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

امین معلمی

دانشجو دکتری رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، قشم، ایران

(تاریخ دریافت: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۶ مهر ۱۴۰۳)

این پژوهش به بررسی تاثیر مالکیت دولتی بر رابطه بین همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد و با استفاده از روش غربالگری ۱۰۶ شرکت انتخاب و در دوره ای زمانی بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه های پژوهش از رگرسیون چندگانه با الگوی داده های تابلویی استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان داد که همبستگی ادواری سودها بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارد به عبارتی افزایش همبستگی ادواری سودها سبب افزایش حق الزحمه حسابرسی می شود. همچنین یافته های پژوهش نشان داد که مالکیت دولتی رابطه میان همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی را تقویت می کند، به عبارتی دیگر نقش مالکیت دولتی به عنوان یک متغیر تعدیلگر در رابطه میان همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی تایید می شود.

واژه های کلیدی: همبستگی ادواری سودها، مالکیت دولتی، حق الزحمه حسابرسی.

^۱ h.noorani@hormozgan.ac.ir

© (نویسنده مسئول)

مقاله علمی - پژوهشی

مقدمه

میزان سودآوری شرکتها همواره مورد توجه سرمایه گذاران، اعتبار دهنده گان و سایر ذینفعان واحدهای اقتصادی بوده است. از دیگر سو همواره حسابرسان مستقل بدنبال اطمینان از صحت و سقم سودهای گزارش شده توسط کارفرما هستند لذا با دقت و موشکافی سودهای ادواری شرکت صاحبکار را مورد بررسی قرار می دهند.

کاهش مقررات در بازار کار حسابرسی، به مؤسسات حسابرسی اجازه داد بیشتر اهداف اقتصادی را دنبال کنند و در جستجوی رشد درآمد خود و کاهش هزینه‌ها در هر کار حسابرسی باشند. عوامل موثر بر حق الزحمه‌ی حسابرسی به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند. گروه اول، ویژگی‌های موسسه حسابرسی است و گروه دوم، ویژگی‌های صاحبکار یا شرکتی است که از موسسه‌ی حسابرسی دعوت به عمل می‌آورد [۱۵ و ۸].

اما تعیین اینکه چه عاملی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر گذار است از عامل مهم ایست که در پژوهش‌های مختلف به آن پرداخته شده است. در این پژوهش عوامل و شرایطی را که قبلا مورد آزمون قرار نگرفته است مورد بررسی قرار خواهد گرفت (همبستگی ادواری سودها و مالکیت دولتی) [۱۹ و ۳].

حق الزحمه حسابرسی به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر معیار اقتصادی بودن و شاخص منافع مستقیم حسابرس و یکی از عوامل تاثیرگذار بر قدرت حرفه‌ای حسابرسی مستقل است. اقتصادی بودن شرط لازم برای بقای فعالیتهای حرفه‌ای است اگرچه به هیچ عنوان شرط کافی تلقی نمی‌شود. در صورتی که حسابرس حرفه‌ای نتواند حق الزحمه منطقی و معقولی را از ارائه خدمات حسابرسی تحصیل نماید، قدرت حرفه‌ای وی مخدوش شده و بقای آن در درازمدت مورد تردید جدی خواهد بود.

اخیراً تأثیر فعالیتهای سیاسی شرکتها در ادبیات آکادمیک توجه زیادی را به خود جلب کرده است. مطالعات زیادی نشان می‌دهد که پیروی از استانداردهای حسابداری به تنهایی نمی‌تواند کیفیت صورت‌های مالی و اقلام مندرج در آن را تضمین کند، زیرا عوامل دیگری نیز بر روی کیفیت صورت‌های مالی و گزارشگری مالی تأثیر دارند. صورت‌های مالی تهیه شده توسط یک واحد اقتصادی علاوه بر استانداردهای حسابداری، تحت تأثیر عوامل متنوعی قرار دارد. یکی از عوامل با اهمیت و قابل توجه، نفوذ سیاسی مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی در محافل سیاسی و روابط آنها با کانون‌های قدرت سیاسی است [۱۴].

روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های ارتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. که این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی می‌گردد.

شرکت‌های دارای روابط گسترده‌ی سیاسی با دولت، به دلیل برخورداری از شرایط خاص (اتصال سیاسی با دولت)، هزینه‌های کمتری را از سوی دولت تحمل می‌کنند [۲۰ و ۱۹]. مدیران ممکن است از مالکیت دولتی مانند ابزاری برای انتقال ثروت یا سود، از شرکت به نفع خود استفاده کنند و این موضوع موجب تضییع حقوق سهامداران می‌شود. بنابراین، در چنین شرایطی به احتمال زیاد سهامداران، به دنبال افزایش

نظارت خود بر شرکت‌های دارای روابط سیاسی، از طریق درخواست حسابرسی با کیفیت بالاتر، که به نوبه خود منجر به تغییر حق الزحمه حسابرسی می‌شود، خواهند بود.

عوامل بسیاری بر میزان حق الزحمه حسابرسی اثر می‌گذارند ولی این اولین بار است که تاثیر مالکیت دولتی بر رابطه میان همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر پژوهشی انجام نشود، احتمالاً سرمایه‌گذاران و مدیران نتیجه تحقیقات قبلی را به همه اطلاعات بازار بورس تعمیم می‌دهند و ممکن است موجب زیان سرمایه‌گذاران و منجر به عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش ریسک شود. همچنین می‌تواند باعث کاهش نقدینگی سهام در بازار بورس و در نتیجه افزایش هزینه سرمایه شود [۲۶]. حسابرسی مستقل مبنایی برای شفافیت اقتصادی، اعتماد مردم و جامعه به بازار سرمایه و همچنین مبنایی برای پاسخگویی دولت در برابر مردم را فراهم می‌آورد. از همین رو حق الزحمه‌ی پایین و رقابت ناسالم در این زمینه پایه‌های جوان حرفه‌ی حسابرسی را به لرزه در می‌آورد. چنانچه رسالت حسابرسی اعتبار بخشی به گزارشگری مالی و اعتماد سازی برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و اعتمادسازی برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی باشد در این صورت جهت حفظ نقش رفیع حسابرسی می‌بایست حق الزحمه در خور شأن حرفه‌ی حسابرسی و متناسب با اهمیت عملیات در نظر گرفته شود. باتوجه به مسائل مطرح شده، هدف این پژوهش بررسی تاثیر مالکیت دولتی بر رابطه همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج حاصل از این بررسی می‌تواند در تدوین آیین‌نامه‌ها و تدوین‌کنندگان استانداردها کمک نماید. بنابراین ضرورت انجام تحقیق حاضر نیز حائز اهمیت خواهد بود.

باتوجه به مطالب گفته شده، در این پژوهش به سوال زیر پاسخ داده شود:

آیا همبستگی ادواری سودها و مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارند؟

در ادامه مبانی نظری، پیشینه پژوهش، روش تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌ها، بحث و نتیجه‌گیری و سرانجام پیشنهادات کاربردی ارائه خواهند گردید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

شرکت‌های دارای ضریب همبستگی ادواری سودها منفی، دارای سودی هستند که در طول زمان نوسان غیرمرتبط دارد. در این حوزه انتظار داریم حساب‌سازان سود بدون الگو را به عنوان دشواری بیشتر در تفسیر و درک اطلاعات مالی تفسیر کرده و در این حالت به نظر می‌رسد ماهیت سود بی‌ثبات باشد. با افزایش دشواری در درک الگوی سود، می‌توان انتظار داشت تفسیر اطلاعات سود در حسابرسی دشوارتر شده و این شرایط باعث افزایش ریسک ذاتی در نظر گرفته شده توسط حساب‌ساز و در نهایت افزایش حق الزحمه-های حسابرسی شود. عبارتی دیگر بنظر می‌رسد همبستگی ادواری سودها با حق الزحمه حسابرسی رابطه معکوس داشته باشد.

در طرف مقابل، همبستگی سود مثبت، نشان‌دهنده الگوی سودی است که به‌صورت ثابت در جهت مشابه در طول زمان حرکت می‌کند (چه افزایشی چه کاهش). وجود همبستگی مثبت میان سودهای ادواری نشان از پایداری سود دارد که می‌تواند ناشی از دستکاری سود توسط مدیریت باشد. هرگاه حساب‌ساز با

همبستگی ادواری سودها مواجه شوند احتمال دستکاری سود توسط مدیریت را می دهند و در نتیجه حق الزحمه خود را افزایش می دهند [۱۶ و ۲۰]. لذا فرضیه اول به شکل زیر می باشد:

همبستگی ادواری سودها بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت معناداری دارد.

اخیراً تأثیر فعالیت‌های دولتی شرکت‌ها در ادبیات آکادمیک توجه زیادی را به خود جلب کرده است. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. که این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی می‌گردد [۱۳]. شرکت‌های دارای روابط گسترده‌ی با دولت، به دلیل برخورداری از شرایط خاص، هزینه‌های کمتری را از سوی دولت تحمل می‌کنند [۱۵]. مدیران ممکن است از مالکیت دولتی، مانند ابزاری برای انتقال ثروت یا سود، از شرکت به نفع خود استفاده کنند و این موضوع موجب تزییع حقوق سهامداران می‌شود. بنابراین، در چنین شرایطی به احتمال زیاد سهامداران غیردولتی، به دنبال افزایش نظارت خود بر شرکت‌های دارای مالکیت دولتی، از طریق درخواست حسابرسی با کیفیت بالاتر، که به نوبه خود منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود، خواهند بود. لذا پیش بینی می‌شود مالکیت دولتی رابطه میان همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی را تقویت کند. لذا فرضیه دوم بشرح زیر می باشد:

مالکیت دولتی، رابطه میان همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی را تقویت می‌کند.

پیشینه پژوهش

[۱۸] در تحقیق خود در ارتباط با بررسی ارتباطات سیاسی (دولتی) بر ریسک و حق الزحمه حسابرسی نشان داد که حق الزحمه حسابرسی برای شرکت‌های حساس به سیاست بیشتر از شرکت‌های بی‌طرف است. این نتایج برای معیارهای مختلف حساسیت سیاست تایید شد.

[۲۸] به بررسی تاثیر مکانیزم‌های حقوق ذینفعان از جمله سهامداران دولتی بر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی پرداختند. آنها دریافتند که مکانیسم‌های حقوق ذینفعان از جمله سهامداران دولتی، بر حق الزحمه غیرعادی خدمات حسابرسی تاثیر دارند.

[۱۷] به بررسی اینکه آیا همبستگی سودهای دوه ای بر تجدید ارائه حسابداری تأثیر می‌گذارد، پرداختند آنها دریافتند که همبستگی تأثیر نسبتاً قابل توجهی دارد: تغییر از صدک ۷۵ به ۲۵ همبستگی با افزایش ۹۳٫۸ درصدی در احتمال تجدید ارایه همراه است.

[۲۵] تاثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت‌های تونسی را بررسی کردند. بر اساس نتایج به دست آمده، ارتباطات سیاسی موجب بهبود عملکرد و ارزش شرکت می‌شود. در واقع سرمایه‌گذاران به دلیل کسب منافع بیشتر، به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی با ارتباطات سیاسی بالا تمایل نشان می‌دهند.

[۱۶] در پژوهشی با عنوان «همبستگی سود، نوسانات سود و حق الزحمه حسابرسی» به بررسی رابطه بین همبستگی سود و نوسانات سود بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. همچنین در این پژوهش تأثیر تخصص حسابررس در صنعت بر رابطه بین خودهمبستگی سود و نوسانات سود با حق الزحمه حسابرسی بررسی

شد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده یک رابطه منفی (مثبت) و نیز یک رابطه به شدت با اهمیت بین خودهمبستگی (نوسان) سود و حق‌الزحمه‌های حسابرسی است. علاوه بر این نتایج به‌دست آمده در این بخش نشان می‌دهد رابطه بین خودهمبستگی سود و حق‌الزحمه‌های حسابرسی برای حسابرسان متخصص در صنعت ضعیف می‌شود. به هر حال، نتایج این مطالعه نشان نمی‌دهد افراد متخصص در صنعت تاثیری بر رابطه بین نوسان سود و حق‌الزحمه‌های حسابرسی داشته باشند.

[۲۷] به بررسی ارتباط بین توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان در چین پرداختند. بر اساس یافته‌ها، افزایش توانایی مدیریت به کاهش گزارشگری مالی متقلبان منجر می‌شود. همچنین ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها می‌تواند تأثیر توانایی مدیریت بر احتمال تقلب صورت مالی را تضعیف کند. در نهایت شواهد آشکار کرد که چنین روابطی عمدتاً در شرکت‌های غیردولتی مصداق دارد. [۲۴] در بررسی ارتباط بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی به این نتیجه رسیدند که خدمات حسابرسی و استقلال هیأت مدیره زمانی که مالکیت پراکنده است مکمل هم هستند، که به این اشاره دارد که مالکیت متمرکز و ترکیب هیأت مدیره در نظارت بر مدیریت جانشین‌های مناسبی برای هم هستند و همچنین نتیجه گرفتند که بین ترکیب‌های هیأت مدیره (استقلال و دوگانگی مدیرعامل) و حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط وجود دارد.

[۲۲] در پژوهشی نشان دادند مدیران سیاسی، خطر سقوط قیمت سهام را در شرکت‌هایی که به وسیله دولت کنترل می‌شود، تشدید می‌کنند. در مقابل، استخدام سیاستمداران به عنوان مدیران، به ویژه مدیران وابسته به دولت مرکزی، به مدیران تحت کنترل شرکت‌های خصوصی کمک می‌کند خطر سقوط قیمت سهام را کاهش دهند.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی است. با توجه به این که رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه را در یک مقطع زمانی مشخص، مورد بررسی قرار می‌دهد، از نوع تحقیقات تحلیل همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۴۰۱ است. در پژوهش حاضر، جامعه آماری بر اساس ویژگی‌های نظام‌مند زیر غربال شد و در نهایت ۱۰۶ شرکت برای آزمون فرضیه‌ها باقی ماند.

- شرکت مد نظر جزء بانک‌ها، واسطه‌گری مالی، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشد؛
- سهام شرکت در تمام سال‌های دوره پژوهش معامله شده باشد؛
- از لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت به پایان اسفندماه ختم شود؛
- طی سال‌های مطالعه، تغییر سال مالی یا فعالیت نداده باشد؛
- تمام داده‌های لازم از سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ در دسترس باشد.

داده‌های پژوهش از بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه‌های اینترنتی بورس گردآوری شد. الگوی رگرسیون به کار رفته برای آزمون فرضیه پژوهش به شرح زیر است.

مدل و روش اندازه‌گیری متغیرها

مدل رگرسیونی پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

$$AuditFee = \beta_0 + \beta_1 EP_{it} + \beta_2 GO_{it} + \beta_3 EP_{it} * GO_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 Q\ Tobin_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته:

حق الزحمه حسابرسی

برای اندازه‌گیری حق الزحمه حسابرسی از لگاریتم طبیعی هزینه حق الزحمه حسابرسی استفاده می‌شود. هزینه حق الزحمه حسابرسی در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی هر شرکت آورده می‌شود که بر مبنای هزینه پایه و ساعات تلاش وی اندازه‌گیری می‌گردد.

متغیر مستقل:

همبستگی ادواری سودها

در تحقیق حاضر از روش غلتان برای سنجش همبستگی موجود میان سودها در ادوار مختلف استفاده شده است. بدین منظور همبستگی سود خالص شرکتهای مورد بررسی برای ۵ سال منتهی به دوره جاری تعیین شده و به عنوان عدد همبستگی در سال جاری ثبت می‌گردد و این روند برای تمام سالهای مورد بررسی تکرار می‌گردد [۱۶].

ضریب همبستگی ادواری سودها در بازه ۱- تا ۱+ تغییر می‌کند. ضرایب مثبت نشان دهنده وجود همبستگی مثبت میان سودها از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر است و ضرایب منفی نشان دهنده وجود همبستگی منفی میان سودها از دوره‌ی دیگر می‌باشند.

متغیر تعدیلگر**مالکیت دولتی (GO)**

مطابق با پژوهش‌های [۵ و ۲] هرگاه میزان مالکیت بنگاه‌های دولتی در شرکتی از ۲۰ درصد تجاوز کند این امر نشان دهنده نفوذ قابل ملاحظه دولت در شرکت بوده و شرکت با مالکیت دولتی تلقی می‌شود. در نهایت هرگاه شرط فوق برقرار باشد متغیر مالکیت عدد یک اختیار کرده و در غیر این صورت عدد صفر اختیار می‌کند.

متغیرهای کنترلی

(۱) اندازه شرکت (SIZE)

$$SIZE_{it} = \ln(Sales_{it})$$

$\ln(Sales_{it})$: لگاریتم مجموع فروش شرکت i در دوره t . [۶].

(۲) اهرم مالی (LEV)

$$Lev_{i,t} = (Total\ Debt)_{i,t} / (Total\ Asset)_{i,t}$$

$Total\ Debt$: جمع بدهی‌های شرکت i در دوره t .

$Total Asset$: جمع دارایی های شرکت i در دوره t . [۱۲].

۳) کیو توبین (Q Tobin)

فرصت رشد شرکت آدر زمان t (Q توبین) که از رابطه زیر بدست می آید:

$$Q\ Tobin = \frac{Debts_{it} + MV_{it}}{Assets_{it}}$$

که در آن $Debts$ بیانگر ارزش دفتری بدهی ها، MV بیانگر ارزش بازار سهام در جریان و $Assets$ ارزش دفتری کل داراییهای شرکت می باشد [۷].

تجزیه و تحلیل داده ها

جدول ۱: نتایج آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل رگرسیون

عنوان متغیر	علامت اختصاری	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
حق الزحمه حسابرسی	AUDITFEE	۶/۸۴۰	۶/۸۰۲	۹/۱۲۴	۴/۶۱۲	۰/۸۳۲
همبستگی ادواری سودها	EP	۰/۰۹۷	۰/۰۷۹	۰/۶۴۲	۰/۰۱۰	۰/۰۷۳
مالکیت دولتی	GO	۰/۶۸۱	۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۳۲۹
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۱۲۰	۱۳/۸۴۵	۱۸/۶۹۰	۱۰/۲۸۳	۱/۲۹۳
اهرم مالی	LEV	۰/۵۹۱	۰/۵۸۳	۰/۹۹۸	۰/۰۸۴	۰/۳۱۷
فرصت رشد	QTOBIN	۰/۶۷۲	۰/۵۹۰	۳/۵۷۹	۰/۶۲۷	۰/۴۷۷

ماخذ: یافته های پژوهش

میانگین، اصلی ترین و مهم ترین شاخص مرکزی به شمار می آید که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، مقدار میانگین حق الزحمه حسابرسی برابر، ۶/۸۴۰ است.

میانه نقطه ای است که یک نمونه را به دو قسمت مساوی تقسیم می نماید. به عبارتی دیگر، ۵۰ درصد مشاهدات قبل و ۵۰ درصد مشاهدات بعد از آن قرار دارند. همان طور که در جدول ۴-۱ نشان داده شده است، مقدار میانه حق الزحمه حسابرسی برابر، ۶/۸۰۲ است.

به طور کلی، معیارهای پراکندگی، معیارهایی هستند که پراکندگی مشاهدات را حول میانگین بررسی و مقایسه می نمایند. یکی از مهم ترین معیارهای پراکندگی، انحراف معیار می باشد. با توجه به جدول فوق، این معیار برای مقدار حق الزحمه حسابرسی برابر، ۰/۸۳۲ است. گفتنی است بیشترین مقدار متغیر حق الزحمه حسابرسی برابر با ۹/۱۲۴ و کمترین مقدار آن برابر با ۴/۶۱۲ است.

با توجه به نتایج جدول ۱ براساس انحراف معیار به دست آمده می توان بیان نمود، در نمونه انتخابی پراکندگی زیاد نبوده است. همچنین با توجه به اینکه میانگین و میانه در بیشتر متغیرها نزدیک به هم هستند می توان بیان نمود کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار می باشند.

آزمون های پیش فرض

طبق آزمون مانایی بایستی برای برقراری این فرض سطح معناداری زیر ۵ درصد باشد. همانگونه که در جدول ۲ ملاحظه می گردد، سطح معناداری و آماره t مربوط به متغیرهای پژوهش بیانگر مانایی (پایایی) متغیرهای تحقیق می باشد.

جدول ۲: آزمون Levin, lin, Chow

متغیر	علامت اختصاری	T آماره	سطح معناداری
حق الزحمه حسابرسی	AUDITFEE	۱۳/۷۵۲	۰/۰۰۰
همبستگی ادواری سودها	EP	۴۹/۱۲۶	۰/۰۰۰
مالکیت دولتی	GO	۷/۸۴۱	۰/۰۰۰
همبستگی*مالکیت دولتی	GO*EP	۱۱/۸۶۵	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۱۰/۶۳۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۲۸/۲۱۸	۰/۰۰۰
فرصت رشد	QTOBIN	۴۷/۲۱۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های پژوهش

جدول شماره ۳، بیانگر آن است که سطح معناداری برای آزمون F لیمر کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه داده ها از نوع تابلویی هستند و برای انتخاب نوع الگو اجرای آزمون هاسمن، ضروری است و با توجه به مقدار احتمال آزمون هاسمن که کمتر از ۰/۰۵ است برای مدل پژوهش به این نتیجه می رسیم که الگوی مدل از نوع اثرات ثابت است. برای بررسی هم خطی بین متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس^۱ استفاده شد. نتایج بررسی عامل تورم واریانس مدل پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می شود عامل تورم واریانس کلیه متغیرها کم تر از ۵ می باشد و نشان می دهد مشکل همبستگی خطی وجود ندارد. لذا این فرض کلاسیک رگرسیون (عدم وجود هم خطی میان متغیرهای مستقل پژوهش) برقرار است. نتایج حاصل از انجام آزمون ناهمسانی واریانس در جدول ۳ نشان می دهد که در مدل پژوهش دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۵ است که دارای ناهمسانی واریانس می باشد. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس در این مدل ها از ضریب تصحیح وایت استفاده می شود. در این پژوهش به منظور بررسی

^۱. Variance Inflation Factor

خودهمبستگی در این پژوهش از آزمون وولدریج^۲ (۲۰۰۴) استفاده شده است. نتایج حاصل در جدول ۳ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون خودهمبستگی برای مدل پژوهش، بیشتر از ۵٪ می‌باشد، و نشان می‌دهد که این مدل خودهمبستگی سریالی ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول) همبستگی ادواری سودها بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت معناداری دارد. فرضیه دوم) مالکیت دولتی رابطه همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی را تقویت می‌کند.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیات پژوهش (متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی)

$AuditFee = \beta_0 + \beta_1 EP_{it} + \beta_2 GO_{it} + \beta_3 EP * GO_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 Q Tobin_{it} + \epsilon_{it}$						
عنوان متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	انحراف معیار	t آماره	سطح معناداری	VIF
ضریب ثابت	C	-۱/۹۴۱	۱/۸۶۰	-۱/۰۴	۰/۰۸۵	-
همبستگی ادواری سودها	EP	۰/۶۷۲	۰/۳۰۶	۲/۰۶	۰/۰۴۲	۳/۱۵۷
مالکیت دولتی	GO	۰/۰۷۷	۰/۰۲۹	۲/۶۵۵	۰/۰۳	۲/۴۳۱
همبستگی*مالکیت دولتی	GO*EP	۰/۵۸۱	۰/۱۱۷	۴/۹۶۳	۰/۰۰۰	۳/۳۰۴
اندازه شرکت	SIZE	۰/۶۱۲	۰/۰۶۹	۸/۸۶۹	۰/۰۰۰	۱/۲۱۸
اهرم مالی	LEV	۰/۱۱۳	۰/۱۱۹	۰/۹۴۹	۰/۲۳۷	۲/۱۳۵
فرصت رشد	QTOBIN	۰/۱۱۸	۰/۲۳۶	۰/۵۱۰	۰/۷۳۴	۴/۱۰۴
مقدار و احتمال آزمون اف لیمر	مقدار و احتمال آزمون هاسمن	مقدار و احتمال آزمون وولدریج	مقدار و احتمال آزمون واریانس			
۷/۶۹۳	۹/۳۲۵	۰/۰۰۰	۲۷۸/۳۹۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۸
ضریب تعیین شده	ضریب تعیین	F آماره	سطح معناداری	آماره دوربین واتسون		
۰/۳۷۱	۰/۴۱۸	۱۷/۳۲۵	۰/۰۰۰	۱/۸۱۸		

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همانگونه که در جدول شماره ۳ دیده می شود احتمال آماره F در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد که نشان می دهد مدل تحقیق از برازش کافی برخوردار می باشد. به علاوه تفسیر ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از آنست که همبستگی ادواری سودها به همراه متغیرهای کنترلی ۳۷/۱ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی را تبیین می کنند.

برای بررسی فرضیه ی اول پژوهش با استفاده از اطلاعات جدول ۳ و معنی دار بودن کل مدل می توان گفت بین همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی ضریب متغیر همبستگی ادواری سودها برابر ۰/۶۷۲ می باشد که سطح معنی داری به دست آمده برای این ضریب ۰/۰۴۲ است که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد، و با توجه به مثبت بودن ضریب زاویه متغیر همبستگی ادواری سودها نتیجه می شود که همبستگی ادواری سودها بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت معناداری دارد و فرضیه اول پژوهش تایید می شود.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که سطح معناداری مالکیت دولتی برابر با ۰/۰۳ و مقدار ضریب آن ۰/۰۷۷ می باشد. با توجه به علامت مثبت ضریب به دست آمده، می توان استدلال کرد که: مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت معناداری دارد. به علاوه نتایج نشان می دهد که سطح معناداری متغیر تعاملی همبستگی*مالکیت دولتی برابر با ۰/۰۰۰ و مقدار ضریب آن ۰/۵۸۱ می باشد. از آنجایی که ضریب متغیر تعاملی با متغیر مستقل هم علامت هستند می توان نتیجه گرفت مالکیت دولتی رابطه میان همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی را تقویت می کند. همچنین ضریب اندازه شرکت برابر ۰/۶۱۲ است و با توجه به سطح معنی داری که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد، نتیجه می شود که بین اندازه شرکت با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

یافته های پژوهش در ارتباط با آزمون فرضیه اول تحقیق نشان داد که همبستگی ادواری سودها بر حق- الزحمه های حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی دیگر با افزایش همبستگی ادواری سودها انتظار می رود حق الزحمه درخواستی توسط حسابرسان افزایش یابد. نتیجه بدست آمده را می توان اینگونه تفسیر کرد که شرکت های دارای ضریب همبستگی ادواری سودها منفی دارای سودی هستند که در طول زمان نوسان معکوس دارد. در این حوزه انتظار داریم حسابرسان یک الگوی سود دارای نوسان را به عنوان دشواری بیشتر در تفسیر و درک اطلاعات مالی تفسیر کرده و در این حالت به نظر می رسد ماهیت سود بی ثبات باشد. با افزایش دشواری در درک الگوی سود، می توان انتظار داشت تفسیر اطلاعات سود در حسابرسی دشوارتر شده و این شرایط باعث افزایش ریسک ذاتی در نظر گرفته شده توسط حسابرس و در نهایت افزایش حق الزحمه های حسابرسی شود. از طرف دیگر، همبستگی ادواری سودها مثبت نشان دهنده یک الگوی سود با ثبات و دارای روند زمانی پایدار است، این شرایط همچنین می تواند به صورت بالقوه نشان دهنده مدیریت سود باشد. در واقع دستکاری عمدی سود یک عامل علی مستقیم

در ارتباط با ریسک ذاتی است که توسط حسابرسان مورد توجه قرار می گیرد. بدیهی است حسابرسان با توجه به افزایش ریسک ذاتی، تقاضای حق الزحمه بیشتری می نمایند. یافته‌های پژوهش در ارتباط با آزمون فرضیه دوم تحقیق نشان داد که مالکیت دولتی بر رابطه میان همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی دیگر مالکیت دولتی نقش تعدیلگری در رابطه میان همبستگی ادواری سودها و حق الزحمه حسابرسی، بازی می کند. شرکتهای دارای روابط گسترده با دولت، به دلیل برخورداری از شرایط خاص، هزینه‌های کمتری را از سوی دولت تحمل می کنند. مدیران ممکن است از مالکیت دولتی، مانند ابزاری برای انتقال ثروت یا سود، از شرکت به نفع خود استفاده کنند و این موضوع موجب تضییع حقوق سهامداران می شود. بنابراین، در چنین شرایطی به احتمال زیاد سهامداران، به دنبال افزایش نظارت خود بر شرکتهای دارای روابط سیاسی، از طریق درخواست حسابرسی با کیفیت بالاتر، که به نوبه خود منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می شود، خواهند بود. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه تا حدودی با یافته‌های [۲۷] مطابقت دارد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق حاضر به مدیران پیشنهاد می گردد به منظور کاهش ریسک حسابرسی و به تبع آن کاهش هزینه‌های حسابرسی، مدیریت سود را که منجر به ایجاد همبستگی ادواری سودها می شود، کاهش دهند. همچنین به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود به همبستگی ادواری سودها در شرکتها توجه داشته باشند چون می تواند نشانه‌ای از وجود مدیریت سود باشد. به علاوه به محققان آتی پیشنهاد می شود که به بررسی تاثیر مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی با توجه به نقش کمیته‌های حسابرسی بپردازند.

فهرست منابع

۱. اسماعیل زاده، مقدی ع...، ترامشلو، ن. (۱۳۹۱). "تاثیر رقابت بر حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی". **حسابدار رسمی** (۷۰۰۷۹).
۲. خواجوی، شکراله، حسینی، سید حسین. (۱۳۸۹). "بررسی رابطه‌ی حمایت سیاسی دولت و ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز**، دوره دوم، شماره اول، ۸-۲۷.
۳. داروغه حضرتی، فاطمه، زهرا پهلوان. (۱۳۹۱). "رابطه بین کیفیت گزارش حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران".
۴. عزیززی، صدیقه. (۱۴۰۲). "بررسی تاثیر ساختار سرمایه و میزان نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران**، (۱۱)۹۱.
۵. محمودآبادی، حمید، نجفی، زهرا. (۱۳۹۲). "نقش شفافیت اطلاعات در تبیین رابطه بین حمایت سیاسی دولت و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت**، پاییز، شماره ۱۸.

۶. مدرس، ا.، عباس زاده، م. (۱۳۸۷). "بررسی تحلیلی تأثیر توانایی پیش بینی اجزاء تعهدی و جریان های نقدی بر کیفیت سود پیش بینی شده". **مجله دانش و توسعه علمی-پژوهشی**، ۱۵(۲۴)، ۳۴-۱.
۷. مقدس نوقایی، مجتبی؛ سیگاری، عطیه، حصار زاده، رضا. (۱۳۹۵). "نقش کیفیت گزارشگری مالی در کاهش اثر محدود کننده سیاست تقسیم سود بر سرمایه گذاری". **فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت دارایی و تامین مالی**، سال چهارم، شماره دوم (۱۳)، ۹۵-۱۱۰.
۸. موسوی، سیدعلیرضا، داروغه حضرتی، فاطمه. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **مجله علمی و پژوهشی حسابداری**، سال سوم، شماره دهم، ۱۴۱-۱۷۳.
۹. مهدی بهارمقدم، ابوالفضل حسینی. (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین سرمایهگذاران نهادی با حق الزحمه حسابرسی با مدنظر قرار دادن مالکیت دولتی". **پایان نامه ارشد، دانشگاه باهنر کرمان**.
۱۰. نوروزیگی، ابراهیم. (۱۳۸۶). "محتوای اطلاعاتی اعلامیه های سود هر سهم بر اساس ضریب واکنش سود". **پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی**.
۱۱. نوشادی، میثم، خدادادی، ولی، واعظ، سیدعلی، حسین زاده، علی حسین. (۱۳۹۹). "بررسی عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی: عوامل مربوط به محیط حرفه ای، فرهنگی و اجتماعی". **تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران**، ۱۲(۴۶)، ۴۳-۶۴.
۱۲. ولی پور ه.، آشوب، م. (۱۳۹۱). "بررسی ناپایداری سود و قابلیت پیش بینی سود آتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار**، ۷، ۱-۱۷.
13. Akhlaghi Yazdinejad, E., Bazgir, B., Gholampour Heydari, A. A., Safipour Afshar, M., Nourani, H. (2024). "Analysis of life cycle stages and implementation of product life cycle costing in Hormozgan Gas Company". **International Journal of Finance & Managerial Accounting**, 9(33), 139-150.
14. Anting Sajati, Y. (۲۰۰۹). "Political connections and earnings quality: evidence from Malaysia". **Phd dissertation, Oklahoma state university**. (Reference type: Thesis)
15. Azizi, S., Sotoudehnejad, F., Akhlaghi Yazdinejad, E. (2023). "Environmental Accounting: An Effort to Develop for Identifying and Ranking Green Accounting Indicators". **International Journal of Finance & Managerial Accounting**, 8(30), 309-32.
16. Bryan, D. B., Mason, T. W., Reynolds, J. K. (2018). "Earnings autocorrelation, earnings volatility, and audit fees". **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, 37(3), 47-69.
17. Bryan, D. B., Mason, T. W. (2022). "Earnings autocorrelation and accounting restatements". **Review of Accounting and Finance**, 21(3), 154-173.
18. Ha, J. (2024). "Firm sensitivity to changes in policy uncertainty and its impact on audit pricing". **Review of Accounting and Finance**.

19. Chaney, P. K., Faccio, M., Parsley, D. (۲۰۱۱). "The quality of accounting information in politically connected firms". **Journal of Accounting and Economics**, 51, 58-76.
20. Faccio, M., Masulis, R. W., McConnell, J. J. (۲۰۰۶). "Political connections and corporate bailouts". **The Journal of Finance**, 61, 2597-635.
21. Krishnan, G. V., Sun, L., Wang, Q., Yang, R. (2013). "Client risk management: A pecking order analysis of auditor response to upward earnings management risk". **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, 32(2), 147-169.
- Lee, W., Wang, L. (2017). "Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from chin". **Review of Quantitative Finance and Accounting**, 48(3), 643-676.
22. Ling, L., Zhou, X., Ling, Q., Song, P., Zeng, H. (2016). "Political connections, overinvestments and firm performance: Evidence from Chinese listed real estate firms". **Finance Research Letters**, 18(August), 328-333.
23. LópezPuertas Lamy, M., Desender, K., Epure, M. (2017). "Corporate social responsibility and the assessment by auditors of the risk of material misstatement". **Journal of Business Finance & Accounting**, 44(9-10), 1276-1314.
24. Maaloul, A., Chakroun, R., Yahyaoui, S. (2018). "The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution". **Journal of Accounting in Emerging Economies**, 8(2), 185-204.
25. Shamsoddini, M., Akhlaghi Yazdinejad, E. (2024). "A paradigm model for improving financial efficiency and budgeting development in education using grounded theory". **System Engineering and Productivity**, 4(1), 71-83.
26. Wang, Z., Chen, M.H., Chin, CH.L., Zheng, Q. (2017). "Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China". **Journal of Accounting and Public Policy**, 36(2), 141-162.
27. Xingze Wu. (2012). "Corporate governance and audit fees: Evidence from companies listed on the shanghai stock Exchange". **Journal of Financial Economics**, 10, 34-45.
28. Yazdinejad, E. A., Nourani, H. (2023). "The Effect of Managerial Overconfidence on Abnormal Audit Fees with Respect to Stakeholder Equity Mechanisms". **Iranian Journal of Accounting, Auditing & Finance (IJAAF)**, 7(3)



Investigating The Effect of Government Ownership on The Correlation between Periodic Profits and Audit Fees

Esmail Akhlaghi Yazdinejad(PhD)

Associate Prof., Faculty of Management Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

Hossein Nourani(PhD)¹©

Associate Prof., Faculty of Management Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

Amin Moalemi

Ph.D. student in Accounting, Islamic Azad University, QeshmBranch, Qeshm, Iran

(Received: April 21, 2024; Accepted: October 07, 2024)

This research examines the effect of government ownership on the relationship between the correlation of periodic profits and audit fees in companies listed on the Tehran Stock Exchange. The statistical population of the research is all the companies admitted to the Tehran Stock Exchange, and 106 companies were selected using the screening method and were investigated in the period between 2013 and 2022. Multiple regression with panel data pattern was used to test the research hypotheses. The findings of the research showed that the correlation of periodic profits has a positive effect on the audit fee, in other words, increasing the correlation of periodic profits causes an increase in the audit fee. Also, the findings of the research showed that government ownership strengthens the relationship between periodic profits and audit fees, in other words, the role of government ownership as a moderating variable in the relationship between periodic profits and audit fees is confirmed.

Keywords: Correlation of Periodic Profits, State Ownership, Audit Fee.

¹ h.noorani@hormozgan.ac.ir (Corresponding Author)